فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال نهم، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۳۰
صفحات ۴۰ ـ ۲۹

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Scientific _ Research Journal
Vol. 9, Autumn 2012, No 30

تأثیر ژئوپلیتیک بر الگوی سیاسی مورد حمایت شیعیان در کشورهای مختلف

یحیی فوزی*
بهروز پایاب**

چکیده

شیعیان در جهان اسلام از بعد نظری دیدگاه سیاسی خاصی دارند، اما در عمل، از حکومت‌های مختلفی در شرایط کنونی جهان اسلام دفاع می‌کنند. عوامل مختلفی می‌تواند در این مسئله دخیل باشد، اما فرضیه مقاله این است که وضعیت جغرافیایی و ژئوپلتیک شیعیان، نقش مهمی در حمایت عملی آنها از این الگوهای متفاوت دارد. بنابراین، پرسش اصلی این است که کدام عوامل ژئوپلتیکی بر الگوی سیاسی مورد حمایت شیعیان در کشورهای مختلف اثرگذار بوده‌اند؟ برای بررسی این موضوع، ضمن بحثی تئوریک درباره نحوه تأثیر ژئوپلتیک بر اندیشه سیاسی، می‌کوشیم تا عوامل مهم اثرگذار بر اندیشه سیاسی شیعیان را که موجب حمایت آنها از الگوهای مختلف سیاسی شده است، تبیین کنیم.

واژگان کلیدی

ژئوپلیتیک، شیعیان، اندیشه سیاسی، ایران، عراق، لبنان، بحرین، پاکستان و افغانستان.

مقدمه

شیعیان در مقام پیروان یک مذهب مهم در جهان اسلام، از بعد نظری دیدگاه سیاسی خاصی دارند. آنها با اعتقاد به اندیشه امامت از این الگو دفاع می کنند و حاکمیت امام معصوم یا نایبان آنها را حکومت مطلوب خود می‌دانند، اما در عمل، از حکومت‌های مختلفی در شرایط کنونی جهان اسلام دفاع می‌کنند؛ به طوری که هم‌اکنون شیعیان در ایران از الگوی جمهوری اسلامی با ولایت‌فقیه، در عراق و افغانستان از یک حکومت

*. دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. yahyafozi@yahoo.com
**. کارشناسی ارشد علوم سیاسی. behroozpayab@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱/۱۴

دموکراتیک، در بحرین از یک مشروطه سلطنتی، و در لبنان از یک حکومت با ساختار طایفگی حمایت می‌کنند. عوامل مختلفی می‌توانند در این تغییر دخیل باشند، اما به نظر می‌رسد وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک شیعیان نقش مهمی در حمایت عملی آنها از این الگوهای متفاوت دارد.

با توجه به این مباحث، سؤال مقاله این است که کدام عوامل ژئوپلیتیکی بر الگوی سیاسی مورد حمایت شیعیان در کشورهای مختلف اثرگذار بوده‌اند؟

برای بررسی این موضوع ضمن بحثی تئوریک دربارهٔ نحوه تأثیر ژئوپلیتیک بر فقه سیاسی و مروری مختصر بر جغرافیای سیاسی شیعیان در جهان، می‌کوشیم عوامل مهم اثرگذار بر فقه سیاسی شیعیان را که موجب حمایت آنها از الگوهای مختلف سیاسی شده است، تبیین کنیم.

نحوه تأثیر ژئوپلیتیک بر اندیشه سیاسی شیعیان

جغرافیای سیاسی، شاخه‌ای از علم جغرافیاست که درباره پدیده‌های سیاسی در فضای جغرافیایی یک کشور بحث می‌کند. (Scruton, 2007: 509) در حال حاضر، تحولاتی که در سیاست جهان روی داده، سبب تنوع بیشتر مباحث ژئوپلیتیک شده است و این شاخه از جغرافیای سیاسی، درباره مفاهیم تازه و متنوعی بحث می‌کند. عوامل ژئوپولیتیک می‌تواند تأثیرات مختلفی در عرصه نظری و اندیشه‌ای، از جمله اندیشه سیاسی بر جای گذارد؛ زیرا اندیشه سیاسی از یک‌سو متأثر از عوامل نظری و ذهنی و از سوی دیگر، تحت تأثیر عوامل عینی قرار دارد. در واقع باید گفت، اندیشه سیاسی محصول تعامل عین و ذهن است.

در این قالب می‌توان از تأثیر ژئوپلیتیک بر اندیشه سیاسی شیعیان، به عنوان اندیشه آنان درباره چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی سخن گفت. اصولاً اندیشه سیاسی شیعیان نیز تحت تأثیر عوامل ذهنی و عینی قرار دارد. این اندیشه از یک‌سو، متأثر از مبانی فلسفی، کلامی، عرفانی و فقهی شیعیان همچون الگوی نظری امامت است؛ شیعیان به عنوان یک اصل اولیه، از الگوی امامت و نیابت به عنوان الگوی مطلوب یاد می‌کنند و هر الگوی غیر آن را نامشروع می‌دانند. از سوی دیگر، متأثر از عوامل عینی است و واقع‌گرایی مناسبی دارد. اندیشه سیاسی شیعیان در تعامل با شرایط جامعه و واقعیت‌های موجود، از جمله شرایط ژئوپلیتیکی آنان، شکل می‌گیرد. در واقع، تعامل بین مبانی نظری و واقعیت‌های عینی، موجب شکل دهی به الگوی رفتاری آنان در عرصه سیاسی می‌شود. درنتیجه، آنان می‌کوشند از درون این تعامل، الگوی رفتاری خود در رویارویی با شرایط جامعه را استخراج کنند.

ابزاری که این تعاملِ بین آرمان و واقعیت را تسهیل می‌کند، فقه شیعیان است. فقه شیعه که الگوی رفتاری شیعیان را ترسیم می‌کند، توانایی‌های خاصی دارد که مصلحت‌اندیشی، واقع‌گرایی و انعطاف‌پذیری این گروه را در مواجهه با شرایط جدید آسان‌تر می‌کند و بدان‌ها قدرت انطباق بیشتری می‌دهد.

اجتهاد، از ویژگی‌های فقهای اصولی است. این اصل، فقهای شیعی را برای رویارویی با مسائل مهم جدید جهان معاصر توانمند کرده است. اجتهاد، نوعی توانایی علمی است که شخص می‌تواند احکام فرعی را از احکام اصلی شرع استنباط کند.

> زمان و مکان، دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصادِ یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد». (امام خمینی، ۱۳۷۹ : ۲۱ / ۴۲۵)

این نگرش در اندیشه سیاسی شیعیان، توانمندی ایشان را در رویارویی با شرایط به‌شدت افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر، اصولیان شیعی، احکام را به اولیه و ثانویه تقسیم می‌کنند که این امر نیز انعطاف‌پذیری آنها را در رویارویی با مسائل مختلف افزایش می‌دهد. به اعتقاد اصولیان، چنانچه شرایط و حالت‌های ویژه‌ای سبب شود مکلف نتواند به احکام واقعی اولی عمل کند، شارع، حکم دیگری در آن باب مقرر می‌دارد که از آن به حکم واقعی ثانوی و از موضوعاتش نیز به عناوین ثانوی یاد می‌شود. (مظفر، ۱۳۸۱: ۲۳۴)

بر پایه نظر این گروه، در شرایطی همچون عسر و حرج، اضطرار، ضرر و ضرار، عهد و پیمان، مقدمه واجب و حفظ نظام می‌توان از احکام ثانویه استفاده کرد که تعیین تحقق این شرایط به عقل واگذار شده است. این بحث، زمینه لازم را برای اجرای انعطاف‌پذیر احکام ـ در حکومت اسلامی ـ فراهم می‌آورد. به واقع، از همین‌روست که اندیشه سیاسی شیعیان در حوزه عمل سیاسی، قابلیت بالایی دارد.

بنابراین، عوامل ژئوپلیتیک می‌توانند با ایجاد شرایط خاص، موضوع احکام شریعت و موضوع تکالیف مکلفان را تغییر دهند و در نتیجه، حکم نیز تغییر کند. شیعیان نیز بر اساس حکم جدید و خاص متناسب با شرایط جغرافیایی خود عمل می‌کنند و رفتاری متفاوت با بقیه شیعیان در پیش می‌گیرند و از الگوهای متفاوت سیاسی پیروی می‌کنند.

در این چارچوب می‌توان از تأثیر ژئوپلیتیک در حوزه فقه سیاسی در اسلام نیز سخن گفت و تحولات اندیشه سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف را تبیین کرد. بدون توجه به این بحث نظری، تبیین دقیق دلایل حمایت شیعیان از الگوهای سیاسی متفاوت، با تناقض‌های زیادی مواجه خواهد شد. در ادامه، به صورت موردی به این بحث می‌پردازیم.

الگوهای سیاسی مورد حمایت شیعیان در کشورهای مختلف

تشیع به عنوان یکی از شاخه‌های اسلام، به مرور زمان بخش مهمی از جهان اسلام را به خود اختصاص داده است. جمعیت شیعیان در سال ۲۰۰۹ میلادی حدود ۲۰۷ میلیون نفر از جمعیت ۱/۷۵ میلیاردی مسلمانان

(۱۶٪ از کل مسلمانان) و ۶/۷۹ میلیاردی جهان را تشکیل می‌دهند. (دانشنامه ویکی پدیا، آمار سال ۲۰۰۹) بیشتر شیعیان، در کشورهای واقع در منطقه خاورمیانه زندگی می‌کنند.

مرکز جغرافیای سیاسی شیعه در «قلب خاورمیانه» است. به تعبیر دقیق‌تر، اگر ترکیب فیزیکی و جغرافیایی خاورمیانه را ترسیم کنیم، شیعه در مغز و قلب آن حضور دارد. (عزتی، ۱۳۸۰: ۳۱) «ژئوپلیتیک شیعه»، به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ با مرکزیت ایران است (عزتی، ۱۳۸۶: ۳۱) که بخش‌هایی از لبنان، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را در بر می‌گیرد. این کمربند، در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود. (مجتهدزاده، ۱۳۸۵) در کرانه‌های خلیج فارس، جهان اسلام به دو نیمه تقسیم می‌شود؛ نیمه غربی که به سمت باختر تا اقیانوس اطلس گسترش یافته است و نیمه هند و ایرانی که از کوهستان‌های ایران شروع می‌شود و با گذر از پاکستان و بنگلادش تا اندونزی و فیلیپین پیش می‌رود. (توال، ۱۳۸۲: ۱۹۸)

شیعیان در دهه‌های اخیر، اثرگذاری بیشتری در عرصه سیاسی دارند و از الگوهای سیاسی متفاوتی حمایت می‌کنند. در ادامه به بررسی ابعاد این تحولات می‌پردازیم:

۱. شیعیان در ا یران و حمایت از الگوی سیاسی جمهوری اسلامی و ولایت‌فقیه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برای نخستین‌بار قدرت شیعه در قالب الگوی «ولایت‌فقیه» در صدر حکومت قرار گرفت که در حقیقت، مهم‌ترین واقعه در طول تاریخ شیعه به حساب می‌آید؛ (همان: ۵۶) زیرا شیعیان در ایران با رهبری امام خمینی موفق شدند الگوی حداکثری مطلوب شیعه در دوران غیبت، یعنی الگوی ولایت فقها را برای اولین‌بار در تاریخ شیعه تحقق بخشند و با دفاع از حاکمیت فقیه منتخب مردم، الگوی نابی را در معرض دید شیعیان جهان قرار دهند.

۲. شیعیان در عراق و دفاع از دموکراسی پارلمانی

عراق به عنوان دومین کشور مهم شیعی، حدود ۲۹ میلیون نفر جمعیت دارد که ۶۵ درصد آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. (دانشنامه ویکی پدیا، آمار سال ۲۰۰۹) سرنگونی صدام‌حسین شرایط جدیدی برای شیعیان در منطقه فراهم آورد. از دید تاریخی، عراق اولین جامعه پس از شبه جزیره عربستان بود که تشیع بدان راه یافت. این منطقه از سده اول هجری، مهم‌ترین مرکز فعالیت شیعیان محسوب می‌شد و شمار قابل توجهی از شیعیان در شهرهای آن سکونت داشتند. اما همواره در تاریخ سیاسی عراق تلاش بر این بود که شیعیان نقش کم‌رنگی در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی داشته باشند. این روند در دوران حزب بعث نیز با شدت دنبال می‌شد، اما با سقوط صدام‌حسین این وضعیت تغییر یافت. هرچند عراق با قدرت نظامی آمریکا آزاد شد، اما از ابتدا معلوم بود هر نوع شعار دموکراسی‌خواهی، به پیروزی شیعیان در عرصه سیاسی ختم خواهد شد. لذا تکامل‌یابی سیاسی

شیعیان در قالب حزب‌الدعوة، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و ... سبب شد تا پس از سقوط رژیم بعث، شیعیان بتوانند نقش اصلی در ساختار سیاسی این کشور داشته باشند و گروه‌های شیعی در اولین انتخاب با پیروزی قاطع، قدرت سیاسی را تصاحب کنند و جایگاه خود را در عرصه سیاسی این کشور بالا ببرند.

در عرصه سیاسی عراق، این گروه‌ها از یک حکومت دموکراتیک دفاع کردند. آنها معتقد بودند در حکومت دموکراتیک، شیعیان به صورت طبیعی، جایگاه خود را پیدا خواهند کرد و موفق خواهند شد از ارزش‌های دینی و مذهبی خود نگهداری کنند. در نتیجهٔ این تلاش‌ها، در قانون اساسی جدید این کشور، مقام نخست‌وزیری، که مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مقام محسوب می‌شود، از آنِ شیعیان شد. علاوه بر آن، اداره چندین وزارتخانه مهم، مثل وزارتخانه‌های نفت و اقتصاد و دارایی نیز بر عهده وزرای شیعی نهاده شد.

۳. تلاش شیعیان در افغانستان و پاکستان برای استقرار دموکراسی

افغانستان با داشتن ۱۹ درصد شیعه از جمعیت ۳۳ میلیون نفری که اکثریت نیز از نظر زبانی با ایران مشترکند و به زبان فارسی سخن می‌گویند، (دانشنامه ویکی‌پدیا، ۱۳۸۵: ۱۲۱) یکی از کشورهای مهم همسایه ایران است که بعد از حمله آمریکا به آن کشور، شرایط جدیدی پیدا کرد.

شیعیان افغانستان از اقوام مختلف هزاره، قزلباش، بلوچ، ترکمن، سادات و عده‌ای تاجیک و پشتوزبان تشکیل شده‌اند و در حداقل ۲۷ استان کشور به شکل فراگیر و یا پراکنده سکونت دارند. (فرهنگ، ۱۳۸۰: ۷۳) در میان این اقوام، هزاره‌ها مهم‌ترین گروه هستند. این قوم که بعد از پشتوها و تاجیک‌ها، سومین قوم بزرگ افغانستان محسوب می‌شوند، (حق‌جو، ۱۳۸۰: ۳۸۰) از نظر جغرافیایی در مرکز کشور قرار گرفته و از سوی سه قومیت افغان‌ها، تاجیک‌ها و ازبک‌ها احاطه شده‌اند. تقریباً همه هزاره‌ها شیعه هستند. (بختیاری، ۱۳۸۵: ۶۵)

مذهب شیعه تا قبل از سقوط طالبان در افغانستان هیچ‌گاه در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده و تنها مذهب رسمی کشور، حنفی بود. (همان) شیعیان در افغانستان در چند دهه اخیر احزاب متعددی را سازماندهی کردند، اما بر اثر درگیری‌های داخلی این کشور و سپس تسلط طالبان، نتوانستند حضور چشمگیری در ساختار سیاسی داشته باشند. اما در نظام جدید افغانستان که پس از سقوط طالبان ایجاد شد، شیعیان موقعیت بهتر و رضایت‌بخش‌تری نسبت به گذشته کسب کرده‌اند. آنها در کابینه دولت‌های موقت و انتقالی، یک معاون رئیس دولت و پنج وزیر در کابینه داشتند. علاوه بر این، شمار بالایی از شیعیان در سطوح گوناگون اداری در وزارتخانه‌ها استخدام شدند.

قانون اساسی افغانستان که در سال ۱۳۸۲ در «لویه جرگه» تصویب شد، هرگونه تبعیض قومی و مذهبی میان اتباع را نفی کرد. (همان: ۲۱۶) برخلاف گذشته که مذهب سنّی حنفی شرط تصدی پست ریاست جمهوری یا پادشاهی افغانستان بود، در قانون اساسی جدید این کشور (مصوب ۱۳۸۲)، هر فرد افغانی مسلمان می‌تواند کاندیدای ریاست جمهوری شود. (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۸۹) بر این اساس بود که در انتخابات

سال ۱۳۸۳، محمد محقق، کاندیدای شیعه‌مذهب، شرکت کرد و از میان هیجده نفر، رتبه سوم را به دست آورد. (بختیاری، ۱۳۸۵: ۲۱۸ ـ ۲۱۶) بر این اساس، شیعیان در چارچوب نظام سیاسی موجود، فعالیت و از استقرار دمکراسی در افغانستان حمایت می‌کنند.

همسایه شرقی ایران، پاکستان نیز که هفتمین کشور پرجمعیت دنیا (بیش از ۱۵۰ میلیون نفر) و دومین کشور پرجمعیت اسلامی (بعد از اندونزی) است، (عارفی، ۱۳۸۵: ۳۷) به دلیل داشتن جمعیت زیاد و درصد بالایی از شیعیان، قابل توجه است.

شیعیان پاکستان ۲۱ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. این میزان با توجه به جمعیت کل کشور، بیش از ۳۵ میلیون نفر را شامل می‌شود. (صافی، ۱۳۶۶: ۱۷۷) از نظر جغرافیایی، شیعیان تقریباً در سراسر پاکستان پراکنده‌اند، اگرچه حضور آنان در کراچی و سپس در مناطق شمالی کشور بیشتر است. ایالت سند از دیرباز یکی از مناطق مهم شیعه‌نشین بوده و اکنون نیز به نظر می‌رسد که بین یک تا یک ونیم میلیون شیعه فقط در مرکز این ایالت (کراچی) زندگی می‌کنند. همچنین در لاهور، مرکز ایالت پنجاب نیز نزدیک به یک میلیون نفر شیعه وجود دارد. (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۱۰) بعد از انقلاب ایران، شیعیان در این کشور تشکیلات خود را در قالب نهضت اجرای فقه جعفری منسجم کردند. پس از آن، شیعیان فعال در عرصه سیاسی همواره در مجالس ایالتی، ملی و سنا حضور چشمگیر داشتند و از استقرار دمکراسی در آن کشور حمایت کردند، به طوری که در پاکستان، مشارکت سازمان یافته شیعیان در قالب نهضت اجرای فقه جعفری، به حضور مستقل و آشکار این حزب در انتخابات سال ۱۹۸۸م انجامید و روند تکاملی شیعیان در امور سیاسی ـ اجتماعی تقویت شد.

۴. تلاش برای استقرار نظام مشروطه در بحرین

در بحرین که حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند، (www.shia-online.ir) جنبش شیعیان با رهبری حزب الوفاق می‌کوشد حکومت آل‌خلیفه را به اجرای اصلاحات سیاسی اساسی در کشور و پایبندی به قانون اساسی و آرای مردم، وادار کند. در واقع، این جنبش از نوعی سلطنت مشروطه در کشور دفاع می‌کند تا در این قالب بتواند از تبعیض‌های موجود درباره جامعه شیعیان ـ که اکثریت جمعیت را در آن کشور تشکیل می‌دهند ـ بکاهد. آنها خواستار شکل‌گیری پارلمان انتخابی مردم و افزایش قدرت آن در مقابل طبقه حاکم هستند. تشکیل پارلمان و تدوین قانون اساسی عادلانه که در آن، حقوق اکثریت جمعیت شیعه به رسمیت شناخته شود، یکی از آرمان‌های اساسی این گروه است. (فولد و فرانکه، ۱۳۸۴: ۲۷۸)

۵. شیعیان در لبنان و دفاع از نظام سیاسی طایفگی ودمکراسی اجماعی

شیعیان لبنان که در دو منطقه مجزا از هم زندگی می‌کنند و در حال حاضر نزدیک به ۳۲ درصد از کل جمعیت تقریباً ۴ میلیونی کشور را تشکیل می‌دهند، از ابتدای دهه ۱۹۶۰ تا آغاز جنگ داخلی ۱۹۷۵ به شدت

دگرگون شده‌اند. (توال، ۱۳۸۲: ۱۶۳) هم‌اکنون حزب‌الله لبنان، به‌عنوان یک تشکل مهم شیعی، به یکی از بازیگران اصلی عرصه سیاسی لبنان تبدیل شده است و رهبری شیعیان را در کنار گروه محافظه‌کار شیعی امل به عهده دارد. این جریانات شیعی در بعد نظری به الگوی امامت شیعی اعتقاد دارند، اما در عرصه رفتار سیاسی با دفاع از پیمان طائف، بر ضرورت حفظ نظام سیاسی موجود در لبنان تأکید می‌کنند و با مشارکت در صحنه سیاسی، به تعامل با این حکومت می‌پردازند؛ به‌طوری که حزب‌الله اعلام کرده است قصد تحمیل الگوی خاص را بر اکثریت ندارد. اکنون دفاع از تمامیت ارضی لبنان و تلاش برای حفظ استقلال سیاسی و عمل در قالب نظام سیاسی طایفگی موجود، یکی از اولویت‌های حزب‌الله است و این گروه در قالب قواعد موجود به فعالیت مشغول است.

عوامل مهم ژئوپلیتیک مؤثر بر الگوی سیاسی مورد حمایت شیعیان

با توجه به مباحث گذشته مشخص شد که شیعیان با وجود بنیان‌های اعتقادی خود مبنی‌بر اعتقاد به الگوی امامت به عنوان تنها الگوی مشروع سیاسی، عملاً در عرصه سیاسی در کشورهای مختلف، از الگوهای متفاوتی حمایت می‌کنند که بیشتر متأثر از شرایط جغرافیای سیاسی آنان است. در واقع، تعامل شرایط ژئوپلیتیک با مبانی فقهی، تبیین‌کننده رفتار سیاسی آنان است. عوامل مهم ژئوپلیتیک مؤثر بر الگوی سیاسی مورد حمایت شیعیان به این شرح است:

۱. عوامل جمعیتی

عوامل جمعیتی همچون تعداد جمعیت، ترکیب جمعیت و نحوه گسترش سرزمینی جمعیت، از جمله عوامل مهم در جایگاه یک گروه در سرزمین خاص است. در این باره باید گفت: ایران و عراق و بحرین از نظر جمعیت شیعی، وضعیت نسبتاً مشابهی دارند، اما میزان اکثریت شیعیان در ایران بالاتر است. ایران دارای بیش از هفتاد میلیون نفر جمعیت و با حدود ۹۰٪ جمعیت شیعه، ۸٪ سنی و ۲٪ دیگر ادیان است. اما کشور عراق با جمعیتی معادل ۲۹ میلیون نفر، ۶۵٪ شیعه دارد و از لحاظ قومی، مرکب از اعراب، کردها، ایرانیان، آشوریان، ارامنه، ترکمن‌ها و ترک‌هاست. عراق از سه حوزه جغرافیایی با مردم کاملاً متفاوت تشکیل شده است؛ حوزه مرکزی از آنِ اعراب سنی‌مذهب، جنوب از آنِ شیعیان و شمال در اختیار کردها است.

در این زمینه، شیعیان در لبنان وضعیت متفاوت‌تری دارند. آنان با حدود ۱/۳ میلیون نفر، ۳۲ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. در سال ۱۹۲۰م با دخالت دولت فرانسه، یک سرشماری ساختگی در لبنان صورت گرفت و مسیحیان مارونی، اکثریت وانمود شد؛ بعد از آنان، مسلمانان سنی‌مذهب و در مرحله سوم شیعیان قرار داده شدند. هرچند شیعیان بزرگ‌ترین گروه فرقه‌ای در لبنان به شمار می‌آیند، اما در این کشور ۱۶ طایفه فعالیت دارد که هرکدام دارای مذهب رسمی هستند؛ مشهورترین آنها عبارتند از: شیعه، سنی، دروزی،

مسیحیان مارونی، مسیحیان کاتولیک، مسیحیان پروتستان، مسیحیان ارتدوکس، انجیلی‌ها، ارمنی‌ها، سریانی‌ها، ارمنی‌های پروتستان و ارمنی‌های سریانی. از این تعداد، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آنها شیعیان، اهل تسنن و مسیحیان هستند که امتیازات بر اساس نسبت جمعیتی این سه طایفه تقسیم‌بندی می‌شود.

در سال ۱۹۳۲م قانونی به نام «قانون طایفگی» به تصویب رسید که بر اساس سرشماری، قدرت در میان سه طایفه شیعه، سنی و مسیحی به نسبت ۲۰، ۳۰ و ۵۰ درصد تقسیم شد. (چمران، ۱۳۷۶: ۳۶ و ۳۷) این ساختار اجتماعی و سیاسی، الزامات خاصی برای شیعیان در عرصه سیاسی به وجود آورده است. این وضعیت در لبنان موجب شده است حتی حزب‌الله به‌صراحت اعلام کند که تصمیمی برای ایجاد نظام سیاسی مشابه ایران در آن کشور ندارد و حمایت از وضع موجود و تلاش برای ایجاد یک دولت نسبتاً مستقل و ملی در لبنان را هدف خود قرار دهد. این شرایط را به شکل محدودکننده‌تری در برابر شیعیان در عرصه سیاسی افغانستان و پاکستان نیز می‌توان دید.

در مجموع، این تفاوت‌های جمعیتی یکی از عوامل مهم ژئوپلیتیکی اثرگذار بر اندیشه سیاسی و الگوی سیاسی مورد حمایت شیعیان است؛ به طوری که بسیاری از آنان معتقدند استقرار دمکراسی می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای فعالیت سیاسی اقلیت‌های شیعه در این کشورها فراهم آورد؛ زیرا تلاش برای تحقق حکومت دینی به معنای تلاش برای حاکمیت جریاناتی از اهل سنت خواهد بود که شیعیان را کافر و خون آنها را مباح می‌دانند. بنابراین، دفاع از یک حکومت دموکراتیک می‌تواند با توجه به ساختار جمعیتی شیعیان، الگوی مطلوب‌تری برای آنان باشد.

۲. قدرت معارضان داخلی

هرچند وضعیت جمعیت و دارا بودن اکثریت، اهمیت خاصی دارد، جایگاه قدرتی اقلیت‌ها در مرزهای سرزمینی نیز در شکل دادن به اندیشه گروه اکثریت مؤثر است.

انقلاب اسلامی در ایران در بستر جمعیتی نسبتاً همگونی شکل گرفت و حمایت اکثریت قاطع اقشار اجتماعی و گروه‌های داخلی از آن، در زمینه‌سازی برای به فعلیت رسیدن الگوی حداکثری شیعه در دوران غیبت، یعنی ولایت فقها نقش مهمی داشت. در واقع، هرچند الگوی حکومت دینی مخالفانی داشت، اگر آمار رفراندم تعیین نوع نظام سیاسی، همچنین آمار انتخابی قانون اساسی ج.ا.ا را که در آن ولایت‌فقیه به تصویب رسید محاسبه کنیم، این اقلیت، قدرت اثرگذاری بالایی نداشت.

در حالی که اقلیت‌های سنی عراق از نظر کمّی، جمعیت بسیار کوچک‌تری را تشکیل می‌دهند، اما به دلیل قرار داشتن در قدرت طی تاریخ عراق از دوران‌های گذشته و به‌ویژه در دوران حزب بعث، از اثرگذاری بیشتری برخوردارند. اقلیت‌های سنی بحرین نیز با استقرار خاندان آل‌خلیفه (متمایل به آل‌سعود) توانستند معارض جدی با الگوی مطلوب و حداکثری شیعیان باشند. در حال حاضر نیز با بیداری اسلامی و با وجود

تلاش‌های دموکراتیک مردم بحرین، هنوز شاهد دیکتاتوری اقلیت سنی در بحرین با حمایت آل‌سعود هستیم. در لبنان و دیگر کشورها نیز این وضعیت با شدت بیشتری وجود دارد. شیعیان نیز به خوبی می‌دانند که با معارضان مهمی برای احیای الگوی خاص خود روبه‌رو هستند. در مجموع، این وضعیت نیز از دیگر عوامل اثرگذار بر تفاوت دیدگاه شیعیان در عرصه سیاسی است.

۳. وضعیت منطقه‌ای

وضعیت منطقه‌ای شیعیان، یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر نوع نگرش سیاسی آنهاست. انقلاب ایران در شرایطی به پیروزی رسید که حساسیت‌های مذکور در همسایگان کمتر بود و شرایط منطقه‌ای متفاوتی با شرایط کنونی وجود داشت. اما دولت عراق در همسایگی کشورهایی همچون عربستان و اردن و سوریه قرار دارد که هر سه کشور با روی کار آمدن یک دولت شیعی، مخالفند. به‌ویژه عربستان با همه توان در سطح منطقه با طرح وهابیت، به شیعه‌ستیزی روی آورده و بعد از سقوط صدام نیز با نفوذ در جامعه بحرانی عراق، به‌شدت در عرصه سیاست اثرگذار است. بدیهی است کشورهای نام‌برده به‌شدت به تحولات سیاسی کشور عراق حساس هستند و همه توان خود را برای جلوگیری از ایجاد یک دولت ایدئولوژیک شیعی به کار خواهند بست. این وضعیت را در بحرین به طور بارزتری مشاهده می‌کنیم. حمایت‌های عربستان ـ همان‌طور که گفتیم ـ و کشورهای حوزه خلیج‌فارس، از هرگونه تحول در بحرین که به نفع اکثریت شیعیان باشد، به‌شدت ممانعت می‌کنند.

وهابیت و سلفی‌های تکفیری که از سوی عربستان حمایت می‌شوند، با کافر دانستن شیعیان، مهم‌ترین عامل بالقوه تهدیدکننده شیعیان در منطقه محسوب می‌شوند. وهابیان، شیعه را به عنوان یکی از مذاهب اسلامی نمی‌پذیرند و از نظر آنان، مفهوم تشیع گاه با مفاهیم کفر و شرک برابر است. این مسئله سبب شده است تا وهابیت به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های شیعیان تبدیل شود. موضع سیاسی و دیدگاه وهابیان در برابر شیعیان را می‌توان در نمونه‌هایی از فتواهایی که مفتیان این گروه صادر کرده‌اند، دریافت. «شیخ بن باز»، مفتی اعظم پیشین عربستان سعودی، درباره تشیع چنین اعتقاد داشت:

> تشیع، دینی متفاوت و مجزا از اسلام است و همان‌گونه که مصالحه اهل تسنن با یهودیان، مسیحیان و بت‌پرستان امکان‌پذیر نیست، سازش شیعیان یا رافضیان با اهل تسنن نیز غیرممکن است. (http://www.binbaz.org)

از دیدگاه بسیاری از علمای وهابی، اِعمال شیوه‌های خشونت‌آمیز بر ضد شیعیان، مثل اجبار به ترک عقیده، سرکوب، تبعید و قتل، امری جایز است.

کشور لبنان نیز در سواحل شرقی دریای مدیترانه، در همسایگی اسرائیل قرار دارد و هرگونه تحول در آن کشور، با امنیت اسرائیل گره خورده است. لذا تقویت شیعیان در منطقه می‌تواند تهدیدات جدیدی برای اسرائیل به وجود آورد و به‌ویژه ایدئولوژی ضد صهیونیستی شیعیان، زمینه تهدید اسرائیل را افزایش می‌دهد.

همچنین کشورهای عرب همسایه لبنان، همچون اردن نیز به‌شدت نگران هر نوع قدرت‌گیری شیعیان در لبنان هستند. بنابراین، همان‌طور که در سالیان گذشته صحنه سیاسی لبنان محل اصلی منازعه کشورهای مذکور بود، در آینده نیز این کشورها با حساسیت، این تحولات را دنبال می کنند و به‌آسانی اجازه تحول سیاسی در این کشور به نفع شیعیان را نمی‌دهند.

تحولاتی از قبیل ظهور انقلاب اسلامی در ایران، اشغال عراق توسط ارتش ایالات متحده، جنگ سی‌وسه‌روزه بین اسرائیل و حزب‌الله لبنان و ... موضوع و موقعیت شیعیان منطقه را در کانون توجهات منطقه‌ای و جهانی قرار داده است. این تحولات باعث شده است بسیاری بیم آن را داشته باشند که با تشکیل به اصطلاح «هلال شیعی» مؤثر توسط شیعیان ایران، عراق، لبنان و به‌طورکلی شیعیان ساکن در منطقه خلیج‌فارس و خاورمیانه، در عمل، عرصه بر حکومت‌های عمدتاً سنی‌مذهب تنگ‌تر، و منافع آنها در آینده تهدید شود. (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۷۱)

در مجموع، این مباحث، شرایط منطقه‌ای جدیدی برای شیعیان فراهم آورده است، به طوری که هر نوع اقدام آنها واکنش‌های منطقه‌ای را به دنبال دارد که این ملاحظات نیز در الگوی سیاسی مورد نظر شیعیان مؤثر است.

۴. عوامل بین‌المللی

نظام بین‌المللی و فضای سیاسی بین‌المللی، موانع جدی برای هرگونه تحول در بحرین به نفع شیعیان محسوب می‌شود و رژیم آل‌خلیفه به دلیل ارتباطات استراتژیک با غرب، موفق به سرکوب شیعیان شده است؛ اما در عین حال، این شرایط بین‌المللی در کشورهایی همچون عراق و افغانستان، به دلیل تخاصم رژیم‌های مذکور با غرب، به نفع شیعیان عمل کرده است؛ به طوری که فضای سیاسی بین‌المللی و توان نظامی آمریکا در سرنگونی رژیم صدام‌حسین و استقرار این نیروها در عراق، یکی از عوامل به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور بوده است. همچنین سقوط طالبان در افغانستان در ارتقای جایگاه سیاسی شیعیان مؤثر بوده است. هرچند آمریکا در بسترسازی پیروزی شیعیان در منطقه نقش مهمی دارد، اما نمی‌توان گفت این امر وضعیت مطلوبی برای آمریکاست؛ زیرا ایدئولوژی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی گروه‌های شیعی همواره تهدیدی بالقوه برای منافع آمریکا در منطقه محسوب شده است. آمریکا تلاش می‌کند تا با تضعیف نیروهای رادیکال و تقویت نیروهای میانه‌رو و سکولار شیعی، این بحران را مدیریت کند که درک این شرایط نیز در نوع الگوی سیاسی مورد حمایت شیعیان بسیار بااهمیت است.

نتیجه

جمعیت شیعیان در کشورهای مختلف، از نظر محیط سیاسی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، وضعیت متفاوتی دارند. این امر به نگاه متفاوت شیعیان بر الگوی حکومت مورد حمایت آنان منجر شده است که در این مقاله،

به صورت مبسوط به آن پرداخته شد. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث را به صورت خلاصه در این جدول می‌توان نشان داد.

کشور	وضعیت داخلی		وضعیت منطقه‌ای		برخورد نظام بین‌المللی با شیعیان
	شیعیان	معارضان	فشارها	حساسیت‌ها	
ایران	اکثریت مطلق	ضعیف	محدود	متوسط	فشار همه‌جانبه
بحرین	اکثریت مطلق	ضعیف	زیاد	بسیار بالا	حمایت از حکومت و ممانعت از قدرت یافتن شیعیان
عراق	اکثریت نسبی	قدرتمند	زیاد	بالا	اشغال کشور و حمایت از حکومت
لبنان	یک‌سوم جمعیت	قدرتمند	زیاد	بالا	ممانعت از قدرت یافتن شیعیان
افغانستان	یک‌چهارم جمعیت	قدرتمند	محدود	متوسط	اشغال کشور و حمایت از حکومت

گفتنی است که این الگوهای متفاوت، هرچند به نظر، نوعی عدول از الگوی مطلوب شیعه است، اما با توجه به پتانسیل‌های موجود در فقه شیعه همچون اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن و اعتقاد به انعطاف‌پذیری احکام در قالب احکام اولیه و ثانویه، این شرایط جدید می‌تواند مورد حمایت مبانی نظری شیعه قرار گیرد. شیعیان با استفاده از اصولی همچون مصلحت، قاعده ارجحیت اهم نسبت به مهم و ... می‌توانند ضمن حفظ اصول خود، از استراتژی‌های مختلفی در عرصه سیاسی پیروی کنند. در واقع، ژئوپلیتیک، به عنوان یک عامل مهم اثرگذار بر موضوعات احکام شرعی، می‌تواند الگوی سیاسی و عمل سیاسی شیعیان را تحت تأثیر قرار دهد. این اثرگذاری توسط مبانی فقهی شیعی به رسمیت شناخته شده است.

منابع و مآخذ

۱. اتوتایل، ژیرو وید و دیگران، ۱۳۸۰، ***اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم***، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲. احمدی، سید عباس، ۱۳۸٦، «اهمیت ژئوپلیتیک تشیع و موقعیت مرکزی ایران»، ***نشریه جام هفته***، تهران، سال نهم، شماره ۳۸۱، تیر ۸٦ .

۳. احمدی، محمدامین، ۱۳۸۳، «قانون اساسی جدید افغانستان و جایگاه شیعیان در آن»، فصلنامه ***تخصصی شیعه‌شناسی***، قم، سال دوم، شماره ۵، بهار ۸۳ .

٤. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۹، ***صحیفه امام***، ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۵. بختیاری، محمدعزیز، ۱۳۸۵، ***شیعیان افغانستان***، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.

٦. برنا بداجی، سیروس، ۱۳۸۵، «هلال شیعی و ژئوپلیتیک خاورمیانه»، هفته‌نامه ***پگاه حوزه***، قم، شماره ۱۹۲.

۷. توال، فرانسوا، ۱۳۸۲، ***ژئوپلیتیک شیعه***، ترجمه کتایون باصر، تهران، انتشارات ویستار.

۸. چمران، مصطفی، ۱۳۷٦، ***لبنان***، تهران، انتشارات بنیاد شهید چمران.

۹. حق‌جو، میرآقا، ۱۳۸۰، ***افغانستان و مداخلات خارجی***، قم، انتشارات مجلسی.

۱۰. صافی، قاسم، ۱۳٦٦، ***سفرنامه پاکستان***، تهران، انتشارات کلمه.

۱۱. عارفی، محمداکرم، ۱۳۸۵، ***شیعیان پاکستان***، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.

۱۲. ـــــــــــ، ۱۳۸۲، «شیعیان پاکستان»، فصلنامه ***تخصصی شیعه‌شناسی***، قم، سال اول، شماره ۳ و ٤، پاییز و زمستان ۸۲.

۱۳. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۰، ***ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم***، تهران، انتشارات سمت.

۱٤. ـــــــــــ، ۱۳۸۱، ***تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق***، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۱۵. ـــــــــــ، ۱۳۸٦، ***جغرافیای جهان اسلام***، قم، نشر اسوه.

۱٦. فرهنگ، سید محمدحسین، ۱۳۸۰، ***جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان***، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس‌سره.

۱۷. فولر، گراهام ای و فرانکه، رند رحیم، ۱۳۸٤، ***شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش‌شده***، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.

۱۸. قاسم، شیخ نعیم، ۱۳۸۳، ***حزب‌الله لبنان (خط‌مشی، گذشته، آینده)***، ترجمه محمدمهدی شریعتمدار، تهران، انتشارات اطلاعات.

۱۹. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۵، «طرح ژئوپلیتیک شیعه؛ توطئه‌ای بر محور جنایات صهیونیسم در خاورمیانه»، روزنامه ***اطلاعات***، ۱۳۸۵/۵/۸.

۲۰. ـــــــــــ، ۱۳۸٦، ***دموکراسی و هویت ایرانی***، تهران، انتشارات کویر.

۲۱. مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۱، ***اصول الفقه***، قم، دارالتفسیر.

۲۲. نقیبی، عبدالله، ۱۳٦٤، ***نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق***، ترجمه کاظم چایچیان، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

۲۳. ویلی، جویس ان، ۱۳۷۳، ***نهضت اسلامی شیعیان عراق***، ترجمه مهوش غلامی، تهران، انتشارات اطلاعات.

24. Muir, Richard, 1997, ***political geography***, A New Introduction, Macmillan Press.
25. Taylor, Peter, 1994, ***political geography***, England, longman sccientific Technical.
26. Scruton, Roger, 2007, ***The Pal grave Macmillan Dictionary of Political Thought***, Newyork, palgrave macmillan.
27. www.shiaonline.net/1388-08-08-16-27-06&catid=11:1388-06-09-22-19-23&Itemid=94.
28. http://fa.wikipedia.org.
29. http://www.binbaz.org.